

اهداف "راه توده" در پیگیری بحث های درون سازمان اکثریت کدامست:

"انشعاب"، نه! واقع بینی، بلکه!

بقول مولوی، "چونکه صد آمد نود هم پیش اوست". شاید سرنوشت بقیه انشعاب های فدائیان برای جنبش چپ ایران بدین تلخی نباشد، اما کام هیچ توده ای از بقیه انشعاب ها نیز شیرین نشده است!

حتی در جریان روند اتحاد و وحدت حزب و سازمان در سال ۶۱، حزب توده ایران با خروج اعضای سازمان فدائیان از تشکیلات خود - که اغلب بصورت گروهی و فراکسیونی انجام می شد - و پیوستن آنها به حزب مخالفت کرده و خواهان باقی ماندن این عده در سازمان خودشان بود. حزب توده ایران، حتی با انشعاب گروه طرفداران حزب توده ایران از درودن "چریک های فدائی خلق ایران" که بعدها بنام "منشعبین از چریک های فدائی خلق" شهرت یافتند موافق نبود و عقیده داشت آنها نیز بهتر است در سازمان خودشان باقی بمانند، مگر زمانی که خطر جانی آنها را تهدید کند، که در این صورت سازمان "توید" مسئولیت حفاظت از این افراد را برعهده داشت!

این اشارات به گذشته بدان خاطر است، که مخالفت ریشه دار حزب توده ایران با انشعاب در سازمان های سیاسی نشان داده شود، که البته این بحث موارد استثنائی و غیر قابل پیش بینی را شامل نمی شود. همین اعتقاد موجب شد، تا رهبری حزب توده ایران در آستانه بازگشت از مهاجرت و در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب، با تحمل سیاسی و حتی تشکیلاتی آندسته از اعضای رهبری حزب که دارای دیدگاه های متفاوت با اکثریت بودند، از هر نوع انشعاب جلوگیری کند. نمونه بارز این دسته از اعضای رهبری حزب، زنده یاد ایرج اسکندری و "بابک امیرخسروی" بودند.

در طول سال های مهاجرت اخیر نیز حزب توده ایران تجربه تلخ انشعاب را یکبار دیگر و در چند نوبت پشت سر گذاشت، که بارزترین نمونه آن، یارگیری ابتدائی "بابک امیرخسروی" از میان مهاجرین حزبی و سپس بنیانگذاری حزب جدیدی بنام "حزب دمکراتیک مردم ایران" بود. عوارض همین انشعاب نیز، مانند همه انشعاب های مشابه، در همه سازمان های سیاسی، بازی با شخصیت های شناخته شده حزب ما و به بیراهه کشاندن برخی چهره های قدیمی بود. اگر در انشعاب قاسمی-فروتین، قربانی مظلوم "سغانی" بود، در انشعاب امیرخسروی، قربانی اصلی زنده یاد "ایرج اسکندری" بود، که او را پل عبور از فراز چند دهه توده ای بودن خویش کردند و سپس پل های پشت سر خویش را نیز ویران ساختند. پدیده تکراری و عبرت آموز در همین انشعاب نیز همگامی اولیه سه مشاور کمیته مرکزی حزب ما با بابک امیرخسروی و سپس جدا شدن از او و پیوستن آنها به سازمان "راه کارگر" بود، که از میان آنها یک تن در این سازمان فعال باقی مانده و بقیه انفعال سیاسی پیشه کرده اند.

همه یادمانده های تلخ انشعاب های سیاسی در تاریخ حزب ما و تاریخ احزاب سیاسی ایران حکم می کند، تا نه تنها طرفدار تکرار آن در سازمان های دیگر نباشیم، بلکه با تمام توان و قدرت با تکرار آن در حزب توده ایران نیز مخالفت کنیم. ما حتی بر این عقیده ایم که اگر مشی غلط و انزوا طلبی و خود محوریتی در رهبری محدود حزب توده ایران در مهاجرت اخیر تلاش نمی کرد تا خود را تحمیل کند، منتشر کنندگان و نویسندگان "راه توده" نیز ترجیح می دادند، ارگان های حزبی هویت واقعی خود را یافته و در چارچوب آنها، نظرات منتشر شود! براساس همین باور است که "راه توده" تاکنون به همه علاقمندانی که با آن تماس برقرار کرده اند، توصیه مکرر کرده است، که چنانچه در حوزه و یا واحدی متشکل هستند در همانجا باقی بمانند، تا وضع کنونی در نهایت خود به سود وحدت سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی حزب توده ایران خاتمه یابد!

براساس همین باور است، که ما پیوسته امکان بحث درونی در سازمان اکثریت را سنتی مثبت در این سازمان ارزیابی کرده ایم. به همین دلیل نیز برخی پرخاش ها، اتهامات واهی و پرونده سازی ها، تخیلات و پیشداوری های اخیر (بجای بحث اصولی پیرامون مشی حزب توده ایران در برابر انقلاب بهمین و روند اتحاد و وحدت بین سازمان و حزب) در صفحات نشریه کار را تداوم توقف این روند می دانیم. این نگرانی بدان خاطر است، که اعتقاد داریم در صورت ادامه این نوع تخریب ها و تلاش برای در حاشیه نگهداشتن و به حاشیه راندن دارندگان نظر و دیدگاه، خطر تجزیه سازمانی و انشعاب یکبار دیگر بر این سازمان سایه گسترد، که ما در آن هیچ جنبه مثبتی نمی بینیم.

بنابراین، تحلیل و بررسی دیدگاه های موجود در سازمان اکثریت، نه در راستای تقویت گرایش به انشعاب، بلکه طرح نقطه نظرانی است، که تصور می کنیم، طرح آنها کمک خواهد کرد به رسیدن سازمان مذکور به وحدت لطمه دیده ایدئولوژیک-سیاسی، که در مهاجرت اخیر لطمات بسیار جدی بدان وارد آمده است. در عین حال "راه توده" در راستای اعتقاد به اتحاد و وحدت نیروها، می کوشد تا حداقل در این مرحله از ادامه روند دوری بیشتر سازمان مذکور از حزب توده ایران جلوگیری کند و در صورت امکان آنها را به همان نقطه ای بازگرداند، که در گذشته و در جریان روند وحدت بوده است. اگر خاتمه یافتن

در ارتباط با مطالبی که "راه توده" پیرامون دیدگاه های مطرح شده رهبران سازمان فدائیان اکثریت در نشریه "کار" منتشر می سازد، از ما می پرسند: «شما منتظر انشعاب در این سازمان هستید؟» و صریح تر می پرسند: «شما می خواهید نقش مشوق انشعاب را در سازمان ایفاء کنید؟» این نوع سوالات و اشارات، که گاه در برخی تماس های مستقیم نیز مطرح می شود، بویژه پس از برگزاری انتخابات اخیر ریاست جمهوری و شکست سیاست تحریم و با اشاره به سیر رویدادهای نخستین سال های پس از انقلاب بهمین و روند اتحاد و وحدت سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران بیش از گذشته مطرح می شود.

گرچه این سوالات و اشارات در محافل محدود و گاه در بسته مطرح می شود، اما از آنجا که "انشعاب" در سازمان ها و احزاب سیاسی ایران ریشه ای به قدمت نخستین خیزش ها برای تشکیل احزاب در ایران دارد، شاید مرور نکات زیر لازم باشد:

تاریخ انشعاب های سیاسی در ایران، حتی آنگاه که با پایه های بسیار منون ایدئولوژیک نیز همراه بوده، هرگز سرانجام مثبتی نداشته است. پیوسته از دل نخستین انشعاب، انشعاب های کوچکتر شکل گرفته و در مجموع، این انشعاب ها، در هر دوره ای از ادوار گذشته، به وحدت درونی احزاب و اتحاد نیروها برای تمرکز همه توان خویش جهت مبارزه لطمات بسیار جدی زده است. تقار و جدائی تا حد کینه جوئی، رشد تشمت سیاسی، عقیم ماندن کوشش بسیار حیاتی برای تحمل پذیری سیاسی و احترام به تنوع برداشت ها، سانسور پذیری تا حد طرد این یا آن حزب و سازمان و یا نشریه وابسته به آن، تخریب شخصیت ها و انواع دیگر پدیده های منفی، پیوسته طبعات انشعاب های سیاسی بوده است.

مرور گذشته های دور و کنوکارو در تاریخ نهضت جنگل، حکومت گیلان، انشعاب نیروی سوم (خلیل ملکی)، انشعاب های مانوئیستی از حزب توده ایران و... در جنبش چپ و کمونیستی ایران و یا انواع انشعاب ها در سازمان ها و احزاب ملی (تظیر انشعاب های متعدد در جبهه ملی)، مذهبی (تظیر انشعاب های متعدد در فدائیان اسلام و یا حتی مجاهدین خلق) و یا ملی-مذهبی (تظیر سوسیالیست های خدابرست، حزب مردم ایران و...) ملال انگیزتر از آنست که تکرار آنها ضرورت داشته باشد.

سرگذشت انشعاب در خود سازمان فدائیان اکثریت باندازه کافی گویای آن نظری است که ما درباره انشعاب داریم و در بالا بدان اشاره کردیم: از دل نخستین انشعاب به ظاهر سیاسی و منتقد مشی حزب توده ایران در سازمان فدائیان، سازمانی بیرون آمد، که از همان ابتدا بر سر نام "اکثریت" به ادعا برخاست. رهبری این انشعاب را "علی کشتگر" و "خلیل رودی" برعهده داشتند و یک چند نیز هیبتا لله معینی نیز با آنها همگام شد، که بعدها از این همگامی بارها ابراز پشیمانی کرد. این انشعاب از چپ و در مخالفت با نزدیکی بخشی از رهبری سازمان به حزب توده ایران، صورت گرفت. عبرت انگیز آن بود، که بعد از انشعاب، گروه بندی علی کشتگر دو آتشه به طرفداری از جمهوری اسلامی برخاست و نشریه اش، پس از یورش به حزب توده ایران، بدون هیچ مانع حکومتی وسیعاً انتشار یافت! و حیرت انگیزتر آنکه همین گروه بندی انشعابی، در مهاجرت چنان به راست گرایش پیدا کرد، که رهبر انشعابی آن "علی کشتگر" نقش مفسر و کارپرداز سیاسی کیهان لندن را برعهده گرفت! و اکنون نیز زیر علم سوسیال دمکراسی، تلاش بسیار می کند تا به کمک چند تن از همفکران خلیل ملکی نظیر "علی اصغر حاج سید جوادی" و "کاتوزیان" در این خیمه جانی برای خود بیابد! نشریه "میهن"، ارگان آخرین مرحله از آن انشعاب بر سر و صداست، که معلوم نیست آخرین آن باشد!

کارزار جدید علیه حزب توده ایران، نشاندهنده حضور رو به گسترش حزب در داخل و خارج از کشور است!

وزارت امنیت ج.ا. در داخل کتاب و در خارج نوار ویدئو منتشر می کند!

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، اخیراً در ایران کتابی از سخنان زیر شکنجه رهبران حزب توده ایران سرهمبندی کرده و منتشر ساخته است. نحوه تنظیم این کتاب و حاشیه‌هایی که بر آن نگاشته شده، بسیار شبیه برنامه "هویت" تلویزیونی علیه ملیون و ملیون مذهبی ایران و همچنین روزنامه نگاران مستقل و هنرمندان کشور است. کتاب مذکور نه تنها در بازار کتاب ایران بی مشتری مانده، بلکه یکبار دیگر و با شناخت بیشتری که عموم مردم ایران از جنایات و شکنجه‌های زندان‌های جمهوری اسلامی بدست آورده‌اند، بی‌جوشی نظرات حزب توده ایران را در قبال انقلاب و رهبران جمهوری اسلامی به همراه آورده‌اند. این امر بویژه در میان نسل بعد از انقلاب، که شاهد فعالیت علنی و نیمه‌علنی حزب ما نبوده‌اند و اکنون برای نخستین بار با نقش حزب توده ایران در انقلاب بهمین و ستیزش برای جلوگیری از قدرت‌یابی ارتجاع و سرمایه‌داری بازاری در جمهوری اسلامی آشنا می‌شوند، چشمگیرتر است. این واقعیت، در تماس‌ها و ارتباط‌های مختلفی که با ما گرفته می‌شود، مطرح شده و موکداً نیز از ما خواسته می‌شود، که به هر طریق ممکن درباره این نقش حزب ما در برابر حاکمیت چندگونه جمهوری اسلامی و مشی و سیاستی که دنبال کرد، بگوئید و آنرا در داخل کشور بسط دهید!

سرهمبندی کردن کتاب جدید وزارت اطلاعات و توزیع آن با قیمت ارزان را می‌توان واکنشی نسبت به همین واقعیت نیز ارزیابی کرد. این واقعیت که اندیشه و تفکر پیرامون مشی حزب توده ایران در برابر جمهوری اسلامی، سرعت در جامعه و بویژه نسل جوان کشور گسترش می‌یابد. وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی بدین ترتیب به ستیز با این واقعیت برخاسته است!

کوشش وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی تنها در داخل کشور متمرکز نیست. بنا بر اطلاعاتی که به ما رسیده است، در خارج از کشور نیز بدنبال نقشی که "راه توده" در ترویج واقع بینانه پیرامون اوضاع ایران کنونی ایفا کرده و بویژه روشننگری پیرامون سیاست و مشی حزب توده ایران در برابر انقلاب بهمین و جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات و امنیت دست به کار ضد تبلیغاتی مشابه آنچه که در ایران انجام می‌دهد شده است. از جمله ترفندهای این کارزار خارج از کشور، یک نوار ویدئویی است که شرکتی بنام "پارس ویدئو" مبتکر توزیع آن شده است. این نوار با موتناژ بخش‌هایی از دفاعیات خسرو گل‌سرخی و کرامت دانشیان در بیدادگاه نظامی شاه و سپس وصل کردن آن به حاصل شکنجه‌هایی که در تلویزیون جمهوری اسلامی بنام اعترافات رهبران حزب توده ایران به نمایش گذاشته شد و سرانجام افزودن صحنه‌ای از فیلم اخراج دیپلمات‌های سفارت شوروی در فرودگاه مهرآباد، علاوه بر توده‌ای ستیزی، می‌خواهد اندیشه دیگری را نیز تلقین کند و آن نفوذ مارکسیست‌ها در میان مذهبیون است. این هدف از آنجا مشخص می‌شود، که موتناژکننده واقعی این نوار، یعنی وزارت اطلاعات و امنیت که فیلم اخراج دیپلمات‌های اتحاد شوروی از ایران را نیز در آرشو خود داشته، با حذف آن بخش از سخنان گل‌سرخی و دانشیان که خود را مارکسیست اعلام داشته‌اند، به برجسته ساختن آن بخش از سخنان گل‌سرخی که وی طی آن احترام خود را به اسلام و نهضت آزادیخواهی امام حسین اعلام داشته است، می‌پردازد. براساس این نوار، گل‌سرخی و دانشیان نیز ماسک مذهبی داشته و نفوذی در میان جنبش مذهبی بوده‌اند!!

یکی از همکاران و علاتمندان راه توده، که در فرانکفورت آلمان این نوار را بدست آورده و آنرا در اختیار ما نیز گذاشته، طی یادداشتی به ما می‌نویسد:

«... من در زندان کودتاچیان ۲۸ مرداد بودم و با شیوه بازجویی فرمانداری نظامی آشنا هستم. در دوران یک تازی ساواک نیز بازجویی شده‌ام. پس از یورش به حزب نیز به زندان افتادم و بازجویی‌های جمهوری اسلامی را نیز از سر گذراندم. در طول بازجویی‌های توأم با شکنجه در زندان جمهوری

توده‌ای ستیزی در صفحات نشریه "کار" گامی مثبت و محسوس در این زمینه ارزیابی شود، که بنظر ما همینگونه است، چرا نباید امیدهای فراتر از این گام داشت؟ ما وقتی با دوری سازمان از حزب توده ایران مخالفیم، چگونه می‌توانیم موافق انشعاب و جدائی‌ها در خود سازمان مذکور باشیم؟

چرا این همه حساسیت؟

گاه از ما می‌پرسند که چرا اینقدر نسبت به سازمان اکثریت حساسیت نشان می‌دهید؟ سازمان‌های دیگری هم در طیف چپ هستند، چرا به آنها نمی‌پردازید؟ اصولاً وقتی سازمانی خط سیاسی و ایدئولوژیکی را جدا کرده، دیگر چه نیازی به این همه بحث با آنست؟

الف- این عده فراموش می‌کنند که سیاست اتحاد، تجمع نیروها، جبهه و سرانجام و پیشاپیش همه آنها وحدت همه جانبه گردان‌های، معتقد به سوسیالیسم علمی، از ابتدای بنیانگذاری حزب ما، مشی و سیاستی پایدار بوده است. حزب توده ایران و سازمان فدائیان اکثریت نه تنها مرز اتحاد را پشت سر گذاشتند، بلکه در دوره‌ای گام‌های اساسی برای وحدت را برداشتند. ما یقین داریم که نه تنها در مهاجرت، بلکه مهمتر از آن، در داخل کشور بخش بسیار قابل توجهی از علاتمندان و هواداران این سازمان همچنان بر سر اعتقاد خود برای وحدت همه جانبه با حزب توده ایران ایستاده‌اند. همین بخش با ایدئولوژی زدائی در سازمان نیز موافق نیستند و همانند ما اعتقاد دارند، سنگ پایه وحدت با حزب ما همین ایدئولوژی زدائی در سازمان، ویران ساخته است. روندی که تورسین‌های سرمایه‌داری، پس از ضربات وارده به اردوگاه سوسیالیسم و با برجسته ساختن ضعف‌های این اردوگاه بی‌وقفه استدلال‌های نوینی را برای ادامه آن به درون صفوف چپ جهانی هدایت می‌کنند. ما یقین داریم که سیر رویدادهای داخل کشور و حوادث جهانی نه تنها حقانیت طرفداران ایدئولوژی علمی در سازمان مذکور را تقویت خواهد کرد، بلکه مشی و سیاست حزب توده ایران در برابر انقلاب بهمین و حکومت برآمده از آن را نیز، در کلیت خود بار دیگر در دستور کار این سازمان قرار خواهد داد. حتی در بحث‌های اخیر که در نشریه "کار" پیرامون میزان دوری و نزدیکی به لنینیسم و یا مارکسیسم و سوسیالیسم جریان دارد، و یا آنچه که بنام تفسیر و تحلیل‌های متفاوت پیرامون انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری در نشریه "کار" انتشار می‌یابد، این واقع بینانه بسیار برجسته‌تر از گذشته است.

ب- تمامی سازمان‌های طیف چپ که از آن نام برده می‌شود، به نوعی با چریک‌های فدائی خلق ایران و یا سازمان فدائیان اکثریت پیوند داشته‌اند. بنابراین، علاوه بر روابط گذشته حزب توده ایران و سازمان اکثریت و تلاش برای تجدید آن، این امر نیز مورد توجه ماست، که سازمان‌های کوچک و بزرگ مورد اشاره نمی‌توانند از تغییرات در مشی و سیاست سازمان مذکور تاثیر نپذیرند. نمونه این امر را، در همین دوران اخیر، در تفسیری که نشریه "راه کارگر" و در پرخاش به نرمش مطرح شده در نشریه "کار" برای شرکت مشروط در انتخابات ریاست جمهوری شاهد بودیم. تفسیری که با پرخاش و تهدید به تکفیر نیز همراه بود و متأسفانه تاثیر خود را نیز برجای گذاشت. این تاثیر در ابتدا موجب متوقف ماندن طرح دیدگاه‌های متفاوت نسبت به انتخابات ریاست جمهوری در نشریه کار شد و سپس موجب شد تا بیمناک از تکفیر، از دل یک سیاست راست روانه، شعار چپ نمایانه "تحریم بیرون بیاید!"

پایان افعال

از جمله انگیزه‌های "راه توده" در پیگیری بحث‌های درون رهبری سازمان اکثریت و وقت و انرژی بسیاری که در این عرصه صرف می‌کند، آنست که این سازمان هر چه زودتر از بحث‌های مطرح، و مقایسه مضامین و مفاهیم آنها با واقعیات ایران و جهان به نتیجه قطعی رسیده و توان بالقوه خود را با انسجام بخشیدن به سیاست و مشی خویش در خدمت جنبش مردم ایران بکار گیرد. راه توده، ورود سازمان اکثریت به این مرحله را یک گام بزرگ برای جنبش چپ ایران ارزیابی می‌کند و یقین دارد، که در اینصورت واقعیات و رویدادها، خود بزرگ‌ترین مشوق و هدایت‌کننده برای گام‌های بعدی خواهد بود.

اسلامی بارها شاهد پادوئی ساواکی‌های شاه که زیر دست باصطلاح حزب الهی‌ها کار می‌کردند، بودم. بنظر من این همکاری تنگاتنگ که مبتکر و سازمانده اولیه آن ارتشبد فردوست، چشم و گوش شاه و سرجاسوس انگلیس‌ها در دربار شاهنشاهی بود، همچنان ادامه دارد و در خارج از کشور نیز سازمان یافته است. این همکاری تنها در خیرچینی و چهره نگاری برای سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی خلاصه نمی‌شود. فروش و توزیع نوازهایی از این دست که برایتان ارسال داشتم، از جمله این فعالیت‌هاست، که زیر پوشش فعالیت‌های هنری و فرهنگی پیش برده می‌شود. همزمانی انتشار کتاب اعترافات در تهران و توزیع نوار مورد بحث در خارج از کشور، دو روی سکه کارزار جدیدی است که وزارت اطلاعات و امنیت علیه حزب توده ایران آنرا تشدید کرده است.»

